

چالش‌های اعمال قواعد تعدد جرم نسبت به اشخاص حقوقی

حسن پورباقرانی*، اصغر احمدی**، جواد پولادی***

چکیده

با توجه به پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و تعیین کیفرهایی برای این اشخاص در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، این پرسش مطرح می‌شود که آیا مقررات تعدد جرم در خصوص اشخاص حقوقی بزهکار هم‌سان با اشخاص حقیقی اعمال خواهند شد. پاسخ به این پرسش از یک سو آسان و از دیگر سو دشوار است. آسان است چون هم مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قوانین کیفری ایران پذیرفته شده است و هم اشخاص حقیقی ویژگی بارزی ندارند که اعمال این قواعد را مختص به آن‌ها بدانیم. دشوار است زیرا با توجه به نوپابودن پذیرش مسئولیت کیفری این اشخاص در حقوق کیفری ایران و گذار از نگاه انسان‌محورانه قوانین کیفری ایران به سوی اشخاص حقوقی، چالش‌های بسیاری را در راه اعمال قواعد تعدد جرم نسبت به این اشخاص پیش می‌کشد. از جمله مهم‌ترین این دشواری‌ها می‌توان به تجمیع و ماهیت متفاوت کیفرهای اشخاص حقوقی که در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر شده‌اند اشاره کرد که سد محکمی در راه اعمال مقررات تعدد اعتباری به وجود آورده است. علاوه بر آن، اعمال مقررات تعدد واقعی موضوع ماده ۱۳۴ در خصوص اشخاص حقوقی با مسائلی چون عدم امکان تعیین اشد کیفر و سپس کیفر

* دانشیار گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

hpoorbafrani@ase.ui.ac.ir

** کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

ahmadi.niya@ase.ui.ac.ir

*** کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

javad_pouladi@yahoo.com

اشد و محدودیت اختیار دادگاه در تعیین دو کیفر برای شخص حقوقی روبه‌روست که سبب می‌شود نتوان مقررات تعدد واقعی را در مورد اشخاص حقوقی چون اشخاص حقیقی به کار بست. **واژگان کلیدی:** اشخاص حقوقی، مسئولیت کیفری، تشدید کیفر، تعدد جرم

مقدمه

با وجود اختلاف نظرهایی که در راه پیش‌بینی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی^۱ وجود دارد، امروزه این مسئولیت یکی از مباحثی است که پایه‌های خود را در بسیاری از نظام‌های حقوقی استوار کرده است (خدابخشی، ۱۳۸۷: ۱۲۱). حقوق کیفری ایران نیز در راستای هم‌گرایی جهانی برای پذیرش این مسئولیت گام برداشته است. در قوانین تصویب‌شده در سال‌های اخیر، بزهکاری اشخاص حقوقی کراراً مورد تصریح قرار گرفته است. علاوه بر قانون مجازات اسلامی^۲، در قوانین متفرقه و خاص دیگری نیز چون قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ (الحاقی به قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵)، قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴^۳ و قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴ (ماده ۹) این رویکرد حفظ شده است. متعاقب آن در ادبیات حقوقی موضوع نیز شاهد آنیم که نویسندگان حقوقی به تشریح و تبیین چنین مسئولیتی پرداخته‌اند (موسوی‌مجاب و رفیع‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۸۵؛ شریفی و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۷؛ یوسفیان شوره‌دلی، ۱۳۹۰: ۳۷۱). با این حال پذیرش این مسئولیت مسائلی را در راه تطبیق و اعمال مقررات جزایی به‌خصوص مقررات جزایی اسلامی در نظام حقوقی ایران به وجود می‌آورد و در این میان اصول حقوق جزایی از موانع مهم است (محسنی، ۱۳۸۹: ۹). از جمله مهم‌ترین این چالش‌ها که این مقاله عهده‌دار بررسی آن است چگونگی اعمال قواعد تعدد جرم نسبت به اشخاص حقوقی در هنگام ارتکاب جرایم متعدد (تعدد جرم) است.

سؤال‌هایی که مطرح می‌شود آن است که نحوه اعمال قواعد تعدد جرم بر اشخاص حقوقی چگونه است و آیا چالشی در این خصوص وجود دارد یا خیر و اگر پاسخ مثبت است، دلیل مبنایی و اصلی این چالش‌ها چیست و آیا قابل برطرف‌کردن است یا خیر. فرضیه مقاله آن است که اعمال

1. Legal persons criminal liability

۲. ماده ۱۴۳ این قانون مقرر می‌دارد: «در مسئولیت کیفری اصل بر مسؤولیت شخصی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسؤولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست».
۳. ماده ۴ این قانون مقرر می‌دارد: «در صورت ارتکاب جرایم موضوع این قانون توسط شخص حقوقی، طبق مقررات قانون مجازات اسلامی مصوب ۸۳۹۲/۲۸ اقدام می‌شود».

قواعد تعدد جرم نسبت به اشخاص حقوقی به سادگی اعمال آن نسبت به اشخاص حقیقی نیست و چالش‌های متعددی که در متن مقاله به آن‌ها اشاره می‌شود در این راه وجود دارد. این چالش‌ها نه فقط به جهت ماهیت متفاوت شخص حقوقی با حقیقی که عمدتاً به جهت تدوین نادرست و غیردقیق ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است. بر این اساس، با اصلاح قانون و تدوین درست و دقیق این ماده، این چالش‌ها قابل برطرف شدن هم هستند. کافی است مقنن در اصلاحاتی که انجام می‌دهد از همان الگوی ماده ۲۰ قانون جرایم رایانه‌ای در تدوین ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی هم بهره‌بردار. توضیح آنکه ماده ۱۲۰ تمامی کیفرهای اشخاص حقوقی را در هفت بند پیش‌بینی کرده است. این در حالی است که این کیفرها، فارغ از نوع جرم ارتكابی، بر تمامی جرایم تعزیری اشخاص حقوقی قابل اعمال هستند. به همین جهت، چالش عمده‌ای که وجود دارد آن است که کیفرهای مقرر برای تمامی جرایم ارتكابی اشخاص حقوقی در یک ماده تجمیع گشته‌اند که این موضوع سبب حذف کارکرد تعدد اعتباری و واقعی در بزه‌های تعزیری اشخاص حقوقی می‌شود. به همین جهت امکان اعمال مقررات تعدد اعتباری بر رفتار ارتكابی اشخاص حقوقی نیست، زیرا در این تعدد علاوه بر اینکه باید رفتار واحدی رخ دهد که دارای عنوان مجرمانه متعدد باشد باید امکان اعمال کیفر اشد وجود داشته باشد؛ در حالی که چون تمامی کیفرهای اشخاص حقوقی در ماده ۲۰ گردآوری شده‌اند، امکان اعمال کیفر اشد وجود ندارد. در تعدد واقعی نیز که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در قالب تعدد رفتاری و نتیجه‌ای (سه رفتاری یا نتیجه‌ای و بیش از سه رفتاری یا نتیجه‌ای) پیش‌بینی شده است، باید شیوه «اشد کیفر» و سپس «کیفر اشد» رعایت شود؛ در حالی که همچون تعدد اعتباری امکان تعیین اشد کیفر و سپس کیفر اشد برای کیفرهای اشخاص حقوقی به جهت واحد بودن کیفرهای آن‌ها در یک ماده وجود ندارد. در ادامه برای تبیین دقیق‌تر موضوع، ابتدا مباحث مربوط به تعدد اعتباری و چالش‌های اعمال قواعد تعدد جرم در خصوص آن مطرح می‌شود و سپس همین مباحث در خصوص تعدد واقعی پیگیری می‌شود.

۱. ماده ۲۰ در این خصوص مقرر می‌دارد: «در صورتی که شخص حقوقی بر اساس ماده (۱۴۳) این قانون مسئول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار آن به یک تادو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود، این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست: الف: انحلال شخص حقوقی. ب: مصادره کل اموال. پ: ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به‌طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال. ت: ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به‌طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال. ث: ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال. ج: جزای نقدی. چ: انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها».

۱. تعدد اعتباری بزه‌های تعزیری اشخاص حقوقی

مقصود از تعدد اعتباری یا معنوی ارتکاب رفتار واحدی است که مشمول دو یا چند عنوان مجرمانه است. طبق ماده ۱۳۱، «در جرایم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد دارای عناوین مجرمانه متعددی باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود». تعدد معنوی دارای یک ماهیت و یک کارکرد است. ماهیت آن همان ارتکاب رفتار واحد مشمول دو یا چند عنوان مجرمانه است و کارکرد آن در اعمال کیفر اشد است. پس زمانی که رفتاری صورت گیرد که مشمول عناوین متعدد مجرمانه و به عبارت دیگر نقض دو یا چند ارزش باشد ولی امکان اعمال کیفر اشد وجود نداشته باشد، سخن‌راندن از تعدد معنوی چندان صحیح نخواهد بود.

۱-۱. امکان تحقق تعدد اعتباری توسط شخص حقوقی

از آنجا که تعدد معنوی ناظر بر رفتار است و توجهی به مجرم ندارد، این پرسش مطرح می‌شود که آیا اشخاص حقوقی همچون اشخاص حقیقی قادر به ارتکاب رفتاری هستند که سبب ایجاد تعدد معنوی شود یا خیر. پاسخ آن است که تعدد معنوی در جرایم مستوجب تعزیر صدق می‌کند و از آنجا که اشخاص حقوقی از لحاظ ارتکاب جرم همان جرایمی را مرتکب می‌شوند که شخص حقیقی نیز توانایی انجام آن را دارد، پس روشن است که اشخاص حقوقی نیز می‌توانند رفتار واحدی را انجام دهند که عنوان‌های متعدد داشته باشد، زیرا نه تعدد معنوی ویژگی خاصی دارد که آن را منحصر به اشخاص حقیقی بدانیم و نه اشخاص حقوقی دارای ماهیتی می‌باشند که نشود آن‌ها را مشمول حالتی قرار داد که از رفتار مجرمانه آن‌ها دو مقررۀ کیفری حمایت کند. بنابراین اگر شخص حقوقی در وب‌سایت خود به شخص حقوقی دیگری نسبت شنود غیرمجاز دهد (افترا) که هم‌زمان انتشار اکاذیب نیز باشد، مصداقی از تعدد معنوی است؛ بنابراین از لحاظ ماهیتی امکان تحقق تعدد معنوی در خصوص جرایم اشخاص حقوقی وجود دارد.

نکته‌ای که در این خصوص وجود دارد آن است که تعدد معنوی ناظر به جرایم تعزیری است (ماده ۱۳۱)؛ پس تعدد معنوی ارتكابی از جانب اشخاص حقوقی نیز فقط در همین دسته از جرم‌ها قابل صدق است. هرچند که قانون‌گذار در تبصره ۲ ماده ۱۳۲ همین قانون به صورت تلویحی امکان تحقق تعدد معنوی در خصوص حدود را پذیرفته است ولی چون اساساً اشخاص حقوقی قادر به ارتکاب جرم‌های حدی نیستند (پوربافرانی، ۱۳۹۷: ۱۹)، بنابراین فرض تعدد معنوی در این دسته

۱. طبق تبصره ۲ ماده ۱۳۲ «چنانچه دو یا چند جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه باشند، فقط مجازات اشد اجرا می‌شود؛ مانند تفخیز در هنگام لواط که تنها مجازات لواط اجرا می‌شود».

جرم‌ها نیز منتفی است. درخصوص دیه باید گفت که تبصره ماده ۱۴ به صراحت انتساب آن را به اشخاص حقوقی پذیرفته است و به همین جهت در موارد تداخل دیات^۱ امکان اعمال تعدد معنوی برای رفتار واحد آن‌ها وجود دارد. طبق این تبصره، «چنانچه رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وارد شده احراز شود، دیه و خسارت قابل مطالبه خواهد بود...». درخصوص کیفر قصاص نیز همانند حدود، امکان ارتکاب جنایت مستوجب آن توسط اشخاص حقوقی نیست و، به فرض تصور امکان ارتکاب جنایت، اعمال قصاص اعم از نفس یا عضو نسبت به اشخاص حقوقی منتفی است (پوربافرانی، ۱۳۹۷: ۲۱). بنابراین فرض تعدد معنوی نسبت به این جرایم هم در مورد اشخاص حقوقی منتفی است. پرسشی که در این زمینه پیش می‌آید آن است که در صورتی که شخص حقوقی مرتکب رفتاری شود که موجب پدید آمدن دو رفتار مجرمانه که یکی مستوجب تعزیر و دیگری مستوجب قصاص باشد، آیا باید تعدد معنوی را برقرار دانست. ماده ۱۳۵ در این خصوص تصریح دارد به این که تعدد معنوی در این حالت برقرار نیست و جمع کیفرها باید اعمال شود.

۲-۱. چالش کارکرد تعدد اعتباری در مورد اشخاص حقوقی

حال باید دید تعدد اعتباری درخصوص کیفرهای تعزیری اشخاص حقوقی کارکردی دارد یا خیر؟ همان طور که اشاره شد، کارکرد اصلی تعدد اعتباری مطابق ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی اعمال کیفر اشد است؛ یعنی ابتدا باید امکان تشخیص اینکه کدام کیفر بیشتر است وجود داشته باشد تا دادگاه بتواند به آن حکم دهد. لازمه کارکرد تعدد اعتباری وجود کیفرهای مشخص شده جداگانه برای هر جرم است؛ کیفرهایی که قانون‌گذار به طور مشخص به عنوان ضمانت اجرای کیفری یک جرم پیش‌بینی کرده است و با کمک همین کیفر جداگانه است که کیفر اشد تعیین می‌شود. در حالی که هیچ‌یک از جرایم اشخاص حقوقی مجازات جداگانه و منحصر به فرد ندارند. مقنن تنها در یک ماده کلی به وضع مجازات برای اشخاص حقوقی، صرف نظر از آنکه چه جرمی مرتکب شده‌اند، پرداخته است. هرکدام از جرایم تعزیری که توسط شخص حقوقی واقع شود مجازات آن همان موارد مندرج در ماده ۲۰ است و هیچ معادل و متناسب‌سازی با مجازات‌های اشخاص حقیقی نشده است. دادگاه هم تنها با لحاظ درجه بندی آن‌ها در ماده ۱۹ مبادرت به تعیین مجازات می‌کند. به دیگر سخن، چون تمامی کیفرهای تعزیری برای اشخاص حقوقی تنها در یک ماده گردآوری شده‌اند، بنابراین امکان اعمال کیفر اشد نیست.

۱. احکام تداخل و تعدد دیات در فصل هفتم بخش اول کتاب چهارم (دیات) مقرر شده‌اند.

البته این مورد با استثنایی همراه است و آن جرایم رایانه‌ای ارتكابی توسط اشخاص حقوقی است. طبق ماده ۲۰ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ (ماده ۷۴۸ الحاق شده به قانون تعزیرات ۱۳۷۵)^۱ در مواردی که اشخاص حقوقی طبق ماده ۱۹ قانون جرایم رایانه‌ای (۷۴۷)^۲ مسئولیت کیفری دارند می‌توان قائل به کارکرد داشتن تعدد معنوی بود، زیرا طبق ماده ۲۰ این قانون مجازات شخص حقوقی بر اساس همان مجازات مقرر شده برای اشخاص حقیقی تعیین می‌شود. به عبارت دیگر، همان مجازات مقرر شده برای اشخاص حقیقی معادل‌سازی برای اشخاص حقوقی شده است و بنابراین برای هر تعداد جرم رایانه‌ای که شخص حقوقی مرتکب شود، مجازات متناسب با آن جرم طبق ماده ۲۰ (۷۴۸ الحاق شده به قانون تعزیرات ۱۳۷۵) موجود است؛ برای مثال اگر شخص حقوقی مرتکب کلاهبرداری رایانه‌ای موضوع ماده ۷۴۱ قانون مذکور شود که میزان مجازات حبس آن با توجه به مجازات شخص حقیقی مرتکب این جرم یک تا پنج سال حبس است، تعطیلی از یک تا نه ماه خواهد بود. در مورد جزای نقدی هم بر اساس جزای نقدی مقرر برای شخص حقیقی معادل‌سازی مطلوب در صدر ماده ۷۴۸ صورت گرفته است. بدین ترتیب می‌توان گفت که اگر مقنن از همان الگوی تعیین مجازات مقرر شده در قانون جرایم رایانه‌ای برای قانون مجازات اسلامی هم استفاده کند، کارکرد تعدد معنوی، یعنی تعیین مجازات اشد، در آن قانون هم برقرار خواهد شد.

حال سخن این است که مراجع قضایی هنگام مواجهه با تعدد اعتباری جرم اشخاص حقوقی (جز جرایم رایانه‌ای که مشکلی در خصوص اعمال قواعد تعدد اعتباری ندارند) چگونه باید مبادرت به صدور حکم کنند. به نظر می‌رسد راه درست آن است که در چنین مواردی با وحدت ملاک گرفتن

۱. طبق این ماده: «اشخاص حقوقی موضوع ماده فوق با توجه به شرایط و اوضاع و احوال جرم ارتكابی میزان درآمد و نتایج حاصله از ارتكاب جرم علاوه بر سه تا شش برابر حداکثر جزای نقدی جرم ارتكابی به ترتیب ذیل محکوم خواهند شد: الف) چنانچه حداکثر مجازات حبس آن جرم تا پنج سال حبس باشد تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا نه ماه و در صورت تکرار جرم تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا پنج سال. ب) چنانچه حداکثر حبس آن جرم بیش از پنج سال حبس باشد تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا سه سال و در صورت تکرار جرم شخص حقوقی منحل خواهد شد.»

۲. «در موارد زیر چنانچه جرایم رایانه‌ای به نام شخص حقوقی و در راستای منافع آن ارتكاب یابد شخص حقوقی دارای مسئولیت کیفری خواهد بود: الف) هر گاه مدیر شخص حقوقی مرتکب جرم رایانه‌ای شود. ب) هر گاه مدیر شخص حقوقی دستور ارتكاب جرم رایانه‌ای را صادر کند و جرم به وقوع بپیوندد. ج) هر گاه یکی از کارمندان شخص حقوقی با اطلاع مدیر یا در اثر عدم نظارت وی مرتکب جرم رایانه‌ای شود د) هر گاه تمام یا قسمتی از فعالیت شخص حقوقی به ارتكاب جرم رایانه‌ای اختصاص یافته باشد...».

از ماده ۱۳۱، ضمن تفهیم اتهام هر دو عنوان مجرمانه و با استدلال تعدد اعتباری عمل، در نهایت مبادرت به صدور حکم به مجازات جرم ارتكابی شدیدتر کنند.

نکته دیگری که در خصوص تعدد اعتباری لازم به ذکر است در تبصره ماده ۱۳۵ نهفته است که بر اساس آن، «در صورتی که جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد، مانند سرقت حدی و سرقت غیر حدی یا مانند زنا و روابط نامشروع کمتر از زنا، مرتکب فقط به مجازات حدی محکوم می‌شود و مجازات تعزیری ساقط می‌گردد...». دو نکته در خصوص این مقرر لازم به ذکر است. نخست پرسشی که به وجود می‌آید آن است که این تبصره ناظر به تعدد اعتباری است یا تعدد واقعی. در پاسخ باید بیان کرد که به نظر می‌رسد مقصود قانون‌گذار در تدوین این تبصره تعدد اعتباری بوده است، زیرا پذیرش تعدد واقعی در فرضی که موضوع جرم اموال و اشخاص گوناگون باشد دشوار است. به دیگر سخن، چنانچه فردی یک بار مرتکب جرم سرقت تعزیری شده باشد و چند روز بعد مرتکب جرم سرقت حدی از مکانی دیگر شود، دلیلی برای چشم‌پوشی از مجازات جرم نخست او وجود ندارد. ضمن اینکه صدر ماده ۱۳۵ در خصوص جمع بین مجازات این جرایم تصریح کافی دارد. بنابراین، هرچند ابتدای تبصره ماده ۱۳۵ به نحو مبهمی نگارش یافته است که چنین برداشت نادرستی را نیز به ذهن متبادر می‌کند، تردیدی نباید داشت که منظور قانون‌گذار صرفاً رفتار هم‌زمانی بوده است که در عین حال تشکیل‌دهنده جرم حدی و جرم تعزیری است. به عنوان مثال، کسی که مرتکب زنا شده است در مورد همان فردی که با او عمل زنا را انجام داده است حتماً اعمال نامشروع دون زنا را نیز انجام داده است اما قانون‌گذار مایل نیست که مرتکب در خصوص رفتار دوم نیز مورد مؤاخذه قرار بگیرد. یا کسی که با شکستن حرز سرقتی را انجام داده است چه بسا در همان محل شیء دیگری را نیز که در حرز قرار نداشته است با خود برده باشد. او در یک زمان و در مورد یک موضوع واحد هم مرتکب سرقت حدی شده است و هم مرتکب سرقت تعزیری. لیکن از نظر قانون‌گذار فقط محکومیت به مجازات سرقت حدی در مورد او کافی است (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۹۱-۱۹۲).

نکته دوم آنکه این تبصره در خصوص شخص حقوقی کاربرد ندارد و مختص به اشخاص حقیقی است، زیرا شخص حقوقی قادر به ارتكاب بزه مستوجب حد نیست؛ بنابراین در فرضی که شخص حقوقی رفتاری را انجام دهد که هم‌زمان هم از جنس حدی باشد و هم از جنس تعزیری، دیگر سخن از تبصره ماده ۱۳۵ به میان نخواهد آمد و کیفر شخص حقوقی بر پایه ماده ۲۰ صورت خواهد گرفت.

۲. تعدد واقعی بزه‌های تعزیری اشخاص حقوقی

در این قسمت به تحلیل چگونگی اعمال قواعد تعدد واقعی جرایم ارتكابی اشخاص حقوقی پرداخته می‌شود. اما پیش از آن باید گریزی به مقررات تعدد بزه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ زده شود تا بهتر بتوانیم تعدد بزه اشخاص حقوقی را به تصویر بکشانیم.

۲-۱. درآمدی بر مقررات تعدد مادی جرم

اعمال کیفر در تعدد واقعی جرم می‌تواند بر اساس یکی از چهار سیستم جمع کیفر، تعیین کیفر اشد، افزودن به کیفر اشد و افعال مختلف، عنوان واحد صورت گیرد (کلانتری و جعفریان سوتیه، ۱۳۹۰: ۳۱۷-۳۱۲). با نگاهی به مقررات تعدد مادی بزه در قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ نمایان می‌شود که هر چهار سیستم پذیرفته شده‌اند. توضیح آنکه سیستم نخست بر اساس تبصره ۴ ماده ۱۳۴ بدین نحو مورد پذیرش قرار گرفته است که «مقررات تعدد جرم در مورد جرایم تعزیری درجه‌های هفت و هشت اجرا نمی‌شود. این مجازات‌ها با هم و نیز با مجازات‌های تعزیری درجه یک تا شش جمع می‌گردد»^۱. سیستم دوم و سوم بر اساس ماده ۱۳۴ در تعدد بزه تا سه رفتار یا نتیجه و بیش از سه رفتار یا نتیجه و در نهایت سیستم چهارم بر اساس تبصره ۲ همین ماده بدین نحو پذیرفته شده است که «در صورتی که مجموع جرایم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم اعمال نمی‌شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌گردد».

مقررات تعدد مادی در جرایم تعزیری در ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی بیان شده است.^۲ طبق این ماده، تعدد مادی به اعتبار رفتار و نتیجه به دو دسته تقسیم می‌شود: دو یا سه رفتاری یا نتیجه‌ای و بیش از سه رفتاری یا نتیجه‌ای. بنابراین در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دو قاعده تعدد رفتاری و اعمال کیفر اشد به ترتیب جایگزین تعدد وصفی (رفتارهای مشابه یا مختلف) و جمع

۱. با وجود این به نظر می‌رسد که جمع کیفر در حالت تعدد واقعی بزه‌های سزاوار تعزیر تنها ناظر به کیفرهای تعزیری درجه هفت و هشت نیست و موارد خاصی که در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ پیش‌بینی شده‌اند همچنان اعمال می‌شوند. برای مثال می‌توان به ماده ۶۰۷ این قانون اشاره کرد که مقرر می‌دارد: «اگر متمد در هنگام مرتکب جرم دیگری هم بشود به مجازات هر دو جرم محکوم می‌شود».

۲. در تبصره ماده مزبور نیز آمده است: «در صورتی که از رفتار واحد نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود طبق مقررات فوق عمل می‌شود». مانند آن که شخصی به تصرف عدوانی ملک دیگری اقدام کند (ماده ۶۹۲ قانون تعزیرات) و این کار به از بین رفتن نخل‌های خرما یا باغ وی منجر (ماده ۶۸۵ قانون تعزیرات) شود (قیاسی، ۱۳۸۸: ۱۳۸). اگر چه برخی از حقوق‌دانان این حالت را مشمول تعدد اعتباری می‌دانند (پیمانی، ۱۳۷۴: ۱۷) اما قانون‌گذار آن را زیر مجموعه تعدد مادی دانسته است؛ هر چند که وجه اشتراک هر دو اجرای مجازات اشد است (فروغی و رحیمیان، ۱۳۹۴: ۱۸۱).

کیفرهای تعزیری (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۴: ۱۱۰) که منطبق بر طرز تفکر عینی از جرم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ بود (صانعی، ۱۳۷۲: ۶۶)، گشته‌اند.

اعمال کارکرد تعدد مادی از طریق شمارش بزه‌های تعزیری که در درجهٔ یک تا شش هستند صورت می‌گیرد. اگر بزه‌های ارتكابی یک نفر دو یا سه مورد باشد، ابتدا، حداکثر کیفر هر یک از بزه‌ها یا، در صورت فقدان حداقل و اکثر، تا یک چهارم حداکثر آن‌ها تعیین می‌شود که در واقع همان اشد کیفر است. سپس از میان این دو یا سه مجازات، مجازات اشد یا همان شدیدترین کیفر اجرا می‌شود. به همین دلیل شاید بتوان گفت که تعدد مادی از یک جهت که تنها یک کیفر اعمال می‌شود، نوعی تخفیف یا تشویق مرتکب است ولی از جهت اجبار به اعمال حداکثر شدیدترین مجازات تشدید است و همین دومی ملاک قرار می‌گیرد. اگر بزه‌ها مشابه باشند، تعیین کیفر اشد منتهی است و دادگاه حداکثر مجازات را به اجرا می‌گذارد. البته بزه‌های مشابه مطابق با نظری عبارت‌اند از بزه‌هایی که هم از جهت عنوان و هم از جهت کیفر مشابه‌اند. بنابراین سرقت ساده و مشدد و کلاهبرداری و شروع به آن مشابه نیستند، زیرا کارکرد کیفر آن‌ها برای تشدید به جهت مختلف بودن مشابه نیست. هرچند مطابق قانون قبل نظر صحیح‌تر این بود که باید این جرایم را مشابه می‌دانستیم، زیرا اولاً ماهیت این جرایم یکی است و از طرفی مطابق قانون قبل از آنجایی که در جرایم مختلف قاعدهٔ جمع مجازات‌ها اعمال می‌شد، اقتضای عمل به اصول و قواعد تفسیر قوانین کیفری، از جمله اصل تفسیر به نفع متهم، مشابه قلمداد کردن این جرایم بود.

اگر شمار بزه‌ها بیش از سه عدد باشد، خواه مشابه باشد و خواه غیرمشابه، اشد مجازات هر یک تعیین می‌شود و سپس بیش از حداکثر به‌علاوهٔ نصف حداکثر برای هر یک لحاظ می‌شود. سپس کیفر اشد از میان آن‌ها به اجرا در می‌آید. در اینجا به‌طور واقعی، کیفر قانونی در قلب تشدید مجازات تغییر می‌یابد و دادگاه به بالاتر از سقف کیفر قانونی حکم می‌دهد و نقص قانون قبل در خصوص عدم معیار مناسب در خصوص تشدید مجازات برطرف شده است.

۲-۲. چالش‌های اعمال قواعد تعدد واقعی در مورد اشخاص حقوقی

حال پرسشی که مطرح می‌شود آن است که آیا مقررات تعدد واقعی جرم به همین صورت در خصوص اشخاص حقوقی نیز اعمال می‌شوند یا خیر. در پاسخ باید افزود که در تعدد جرم به رفتارهای مجرمانه توجه می‌شود، نه مرتکب جرم؛ بنابراین تفاوتی نمی‌کند که مرتکب شخص حقیقی است یا حقوقی (سیفی، ۱۳۹۲: ۷۱). اما چالش‌های مهمی در راه اعمال مقررات تعدد واقعی جرم در مورد اشخاص حقوقی وجود دارد که سبب می‌شود نتوان مادهٔ ۱۳۴ را به همین کیفیت در مورد آن‌ها به کار بست.

نخستین چالشی که در این خصوص وجود دارد این است که کیفردهی اشخاص حقوقی بسان کیفردهی اشخاص حقیقی صورت نمی‌گیرد و دادگاه برای تعیین کیفر این اشخاص، به جهت ارتکاب هر جرمی، تنها باید بر اساس ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی عمل کند و یک تا دو مورد از میان آن‌ها را برگزیند. تأکید می‌شود هر جرمی که شخص حقوقی انجام دهد مجازاتش همانی است که در ماده ۲۰ آمده است، جز هنگام ارتکاب جرایم رایانه‌ای. در حالی که یکی از لوازم اجرای قاعده تعدد جرم وجود مواد قانونی و مجازات متعدد است که به دادگاه امکان انتخاب کیفر اشد را بدهد. هرچند این چالش زمانی که شخص حقیقی هم مرتکب جرایم متعدد هم‌سان می‌شود وجود دارد؛ ولی به علت اینکه در خصوص اشخاص حقوقی حتی زمانی که مرتکب جرایم متعدد هم می‌شوند امکان مراجعه به مواد قانونی متعدد وجود ندارد نمود بیشتری دارد. این چالش ممکن است این تصور را تقویت کند که اساساً ماده ۱۳۴ تنها ناظر بر تعدد جرم اشخاص حقیقی است و قانون‌گذار اشخاص حقوقی را از مقررات تعدد جرم مستثنا کرده است و کیفردهی آنان را، چه مرتکب یک بزه و چه مرتکب تعدد بزه شوند، هم‌سان پنداشته است که در هر دو حالت دادگاه بدون توجه به تعداد بزه‌های ارتکابی یک تا دو کیفر از میان کیفرهای ماده ۲۰ را برای آنان بر می‌گزیند. اما این پندار چندان با مبانی حقوقی سازگار نیست، زیرا زمانی که قانون‌گذار اصل مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را در بزه‌های سزاوار تعزیر پذیرفته است، تمامی قواعد ناظر بر جرایم و کیفرها نیز در مورد آن‌ها قابل اعمال است و نیاز نیست که قانون‌گذار به صورت جداگانه به اصل کاربرد این قواعد بر اشخاص حقوقی صحه بگذارد. البته بدیهی است که منظور قواعدی است که با ماهیت اشخاص حقوقی سازگاری دارند، نه قواعدی مانند آزادی مشروط که ناظر بر اشخاص حقیقی است.

حال باید دید در صورتی که شخص حقوقی مرتکب تعدد جرم شود، دادگاه چگونه می‌تواند اعمال قواعد تعدد کند. برای پاسخ به این پرسش باید میان تعدد تا سه جرم و بیش از آن قائل به تفکیک شد که مورد اخیر در قالب چالش سوم بیان می‌گردد. در حالت نخست یعنی زمانی که شخص حقوقی دو یا سه جرم تعزیری انجام داده است، راه‌حل آن است که دادگاه برای هر یک از جرایم ارتکابی، جداگانه، به ماده ۲۰ رجوع کند و حسب درجه آن جرم یک تا دو مورد از موارد ذکر شده در این ماده را مورد حکم قرار دهد و برای اجرای قواعد تعدد مطابق ماده ۱۳۴ هرکدام از موارد انتخابی را در حالت حداکثر قرار دهد و در بین این حداکثرها کیفر اشد را انتخاب کند. بدین‌سان فارغ از ماهیت کیفر، یکی از معیارهای تشخیص کیفر اشد درجه‌بندی کیفرهای موضوع ماده ۱۹ است. به همین جهت بر اساس تطبیق مواد ۱۹ و ۲۰ قانون مجازات اسلامی باید اشاره کرد که به ترتیب انحلال شخص حقوقی و مصادره کل اموال (درجه ۱)، ممنوعیت دائم از یک یا چند

فعالیت شغلی یا اجتماعی و ممنوعیت دائم از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه (درجه ۵)، انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها، ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی حداکثر تا مدت پنج سال، ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه حداکثر تا مدت پنج سال و ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر تا مدت پنج سال (درجه ۶) نسبت به یکدیگر اشد محسوب می‌شوند. در مورد جزای نقدی باید اذعان داشت که می‌تواند در هر درجه‌ای قرار گیرد؛ لیکن باید متوجه بود که جزای نقدی طبق اصل قانونی بودن مجازات و مستفاد از ماده ۲۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تنها باید در مواردی تعیین گردد که «در قانون برای ارتکاب همان جرم به وسیله اشخاص حقیقی» هم جزای نقدی مقرر شده باشد. به‌عنوان مثال وقتی شخص حقوقی مرتکب جرم کلاهبرداری (ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷) شود، قابل محکوم‌شدن به جزای نقدی حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی است که برای ارتکاب کلاهبرداری توسط شخص حقیقی تعیین شده است. ولی در صورتی که شخص حقوقی مرتکب جرمی شود که فاقد مجازات جزای نقدی است، مانند خیانت در امانت (ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی تعزیرات ۱۳۷۵)، تعیین جزای نقدی ناممکن است، زیرا شخص حقیقی هم که مرتکب آن شود، جزای نقدی در مورد او منتفی است و در واقع معیاری نیست که دو برابر و چهار برابر آن قابل تعیین باشد.

دومین چالشی را که در ادامه همین راهکار به وجود می‌آید می‌توان در قالب یک پرسش مطرح کرد. آیا دادگاه در کیفرگزینی خود برای شخص حقوقی تکلیف دارد که نوع کیفرها را طوری برگزیند که امکان تشخیص اشد از اخف وجود داشته باشد یا اینکه اختیار دارد؟ برای مثال چنانچه شخص حقوقی مرتکب دو جرم شده باشد، آیا دادگاه می‌تواند برای بزه نخست کیفر ممنوعیت دائم از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی و برای بزه دوم کیفر ممنوعیت دائم از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه را که هر دو از درجه پنج هستند برگزیند که اگر این چنین کند، باید کدام یک را نسبت به دیگری اشد دانست. یا اینکه تکلیف دارد که کیفرهایی را از ماده ۲۰ انتخاب کند که هم‌درجه نیستند و از این راه امکان تشخیص کیفر اشد وجود داشته باشد.^۱ در پاسخ باید میان حالتی که دادگاه با توجه به ماهیت بزه ارتكابی

۱. هر چند چالش‌گزینش کیفر اشد در فرضی که جرایم ارتكابی اشخاص حقوقی یا حقیقی یکسان باشند وجود دارد؛ اما تفاوت این مورد با فرضی که جرایم ارتكابی اشخاص حقوقی مختلف ولی از نظر شدت و ضعف هم‌سان هستند آن است که در فرض نخست دادرسی راهی جز تعیین کیفر واحد ندارد در حالی که در این فرض دادرسی می‌تواند با گزینش کیفرهای متفاوت امکان اعمال ماده ۱۳۴ را فراهم آورد.

یا فارغ از آن بخواهد چنین کاری انجام دهد قائل به تفکیک شد. توضیح آنکه چنانچه دو جرم ارتكابی شخص حقوقی هم‌سان با یکدیگر نباشند و از حیث درجه از شدت و ضعف نسبت به هم برخوردار باشند، دادگاه می‌تواند نظر دوم را اعمال کند و بر اساس آن کیفرهایی هم‌سنخ با جرایم ارتكابی از درجه‌های متفاوت برگزیند. اما زمانی که ماهیت بزه‌های ارتكابی هم‌سنگ با یکدیگر باشند، به‌جهت رعایت اصل تناسب کیفر با جرم، که یکی از اصول مهم حقوق کیفری است، دادگاه باید نظر نخست را اعمال کند و خود یکی از کیفرهای مقرر در درجهٔ یکسان را به‌عنوان کیفر اشد انتخاب نماید.

چالش سوم زمانی به وجود می‌آید که شخص حقوقی بیش از سه جرم را انجام داده باشد. در اینجا مطابق مادهٔ ۱۳۴ باید مجازات هریک از جرایم بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی تعیین شود، مشروط به اینکه از حداکثر به‌اضافهٔ نصف آن تجاوز نکند یا اگر فاقد حداقل و اکثر باشد، تا نصف حداکثر اضافه کند. اما با نگاهی به کیفرهای مقرر در مادهٔ ۲۰ نمایان می‌شود که در کیفرهای انحلال شخص حقوقی، مصادرهٔ کل اموال، ممنوعیت دائم از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی، ممنوعیت دائم از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه و انتشار حکم محکومیت به‌وسیلهٔ رسانه‌ها امکان تشدید کیفر به میزان بیشتر از حداکثر مقرر قانونی وجود ندارد. در نتیجه این امکان فقط در چهار کیفر ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی حداکثر تا مدت پنج سال، ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه حداکثر تا مدت پنج سال، ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر تا مدت پنج سال و جزای نقدی وجود دارد. بدین‌سان، به‌جز جزای نقدی که می‌تواند با توجه به کیفر اصلی جرم ارتكابی متغیر باشد و در درجه‌های مختلفی از مادهٔ ۱۹ قرار گیرد، سه کیفر نخست مشمول درجهٔ ۶ می‌شوند و از این‌رو چالش کیفرگزینی اشخاص حقوقی در این فرض پررنگ‌تر می‌شود، زیرا رویکرد قانون‌گذار در تعدد بیش از سه جرم بر نوعی سخت‌گیری استوار است که باید میزان کیفر از حداکثر قانونی آن تجاوز پیدا کند؛ در حالی که در این فرض دادگاه راهی جز گزینش یکی از چند کیفر مقرر در درجهٔ ۶ را ندارد. به همین جهت، راه‌حل مزبور در تعدد تا سه جرم نیز در این خصوص کاربرد ندارد، زیرا ماهیت کیفرهای تعیین‌شده برای اشخاص حقوقی چنین اجازه‌ای را به دادگاه نمی‌دهد. از این‌رو، باید بیان کرد که چنانچه شخص حقوقی مرتکب بیش از سه جرم شود، در موقعیت بهتری نسبت به حالتی که وی مرتکب تا سه جرم می‌شود قرار می‌گیرد.

۱. مطابق مادهٔ ۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «میزان جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی است که در قانون برای ارتکاب همان جرم به وسیله اشخاص حقیقی تعیین می‌شود».

چالش چهارم در صدر ماده ۲۰ که مقرر می‌دارد: «... شخص حقوقی... به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود...» نهفته است. در واقع پرسش آن است که آیا دادگاه اختیار کامل برای گزینش دو کیفر را دارد یا اینکه با توجه به کیفر اصلی پیش‌بینی شده برای بزه باید یک یا دو کیفر را برگزیند. برای مثال، چنانچه شخص حقوقی مرتکب جرم موضوع ماده ۵۲۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) شود که بر اساس آن کیفر یک تا سه سال حبس برای جعل مدارک اشتغال به تحصیل یا فارغ‌التحصیلی و... پیش‌بینی شده است، دادگاه می‌تواند برای این عمل دو کیفر را در نظر گیرد یا تعیین دو کیفر زمانی است که قانون برای یک جرم دو کیفر اصلی در نظر گرفته باشد. مانند ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ که برای بزه‌های مختلفی از جمله بزه سوءاستفاده از اطلاعات نهانی بورس^۱ کیفر سه ماه تا یک سال یا جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر سود به‌دست‌آمده یا زیان متحمل‌نشده یا هر دو مجازات را تعیین کرده است. برای پاسخ به این پرسش باید میان سه حالت جرم واحد، تعدد تا سه جرم و تعدد بیش از سه جرم تفکیک قائل شد.

در حالت نخست یعنی ارتکاب جرم واحد از سوی شخص حقوقی از ظاهر عبارت یادشده برمی‌آید که دادگاه در هر دو حالت، چه قانون یک کیفر را تعیین کرده باشد و چه دو کیفر، اختیار دارد که یک یا دو کیفر را مورد حکم قرار دهد. در حالت تعدد تا سه جرم، دو فرض را می‌توان مطرح کرد: نخست آنکه دادگاه اختیار داشته باشد که برای هر جرم یک یا دو کیفر را در نظر گیرد که در این حالت می‌توان در برابر سه جرم از سه تا شش کیفر در نظر گرفت؛ اما فرض دوم آن است که دادگاه مکلف است برای هر جرم دو کیفر تعیین کند که در مجموع در برابر سه جرم، شش کیفر در نظر گرفته می‌شود. به نظر می‌رسد که فرض نخست با مبانی حقوقی، صدر ماده ۲۰ و تعداد کیفرهای تعیین شده در این ماده سازگارتر باشد، زیرا چنانچه شخص حقوقی نه برای ارتکاب جرم به‌وجودآمده و نه با انحراف از هدف مشروع نخستین فعالیت خود را منحصرأ در جهت ارتکاب جرم قرار داده باشد^۲، دادگاه حق تعیین دو کیفر انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال آن را ندارد؛ بنابراین در این حالت

۱. بند ۱ ماده ۴۶ قانون مزبور مقرر می‌دارد: «هر شخصی که اطلاعات نهانی مربوط به اوراق بهادار موضوع این قانون را که حسب وظیفه در اختیار وی قرار گرفته به‌نحوی از انحصار به ضرر دیگران یا به نفع خود یا به نفع اشخاصی که از طرف آن‌ها به هر عنوان نمایندگی داشته باشند، قبل از انتشار عمومی مورد استفاده قرار دهد و یا موجبات افشا و انتشار آن‌ها را در غیر موارد مقرر فراهم آورد».

۲. ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال آن زمانی اعمال می‌شود که برای ارتکاب جرم، به وجود آمده یا با انحراف از هدف مشروع نخستین، فعالیت خود را منحصرأ در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد».

دادگاه فقط می‌تواند به کیفرهای باقی مانده که در مجموع به پنج عدد می‌رسد حکم دهد. اما در مورد تعدد چهار جرم فقط فرض نخست قابل تحقق است، زیرا در هر صورت دادگاه راهی جز تعیین چهار کیفر ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی حداکثر تا مدت پنج سال، ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه حداکثر تا مدت پنج سال، ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر تا مدت پنج سال و جزای نقدی ندارد.

چالش پنجم در خصوص کیفری است که در نهایت در خصوص شخص حقوقی به اجرا گذاشته می‌شود. توضیح آنکه مطابق ماده ۱۳۴، چه در خصوص تعدد تا سه جرم و چه بیش از سه جرم، در هر حال پس از تعیین اشد کیفر، کیفر اشد، یعنی تنها یک کیفر، به اجرا گذاشته می‌شود. اما مطابق ماده ۲۰ دادگاه می‌تواند دو کیفر برای شخص حقوقی برگزیند. حال پرسش آن است که منظور از این عبارت آن است که در مقام اجرا نیز چنانچه دادگاه بخواهد، باید دو کیفر در مورد شخص حقوقی به اجرا گذاشته شود. به سخن دیگر، هر چند دادگاه در تعدد تا سه جرم اشخاص حقوقی می‌تواند از سه تا شش کیفر و در تعدد بیش از سه جرم چهار کیفر را مورد حکم قرار دهد، آیا در این میان باید مطابق ماده ۱۳۴ رفتار کند و تنها کیفر اشد را برگزیند یا مطابق اجازه ماده ۲۰ مبادرت به اجرای دو کیفر نماید. در پاسخ می‌توان گفت که از یک سو برای هم‌گرایی مقررات تعدد جرم در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ باید بر اساس ماده ۱۳۴ رفتار کرد و تنها یک کیفر را در مورد شخص حقوقی به اجرا گذاشت اما از سوی دیگر نظر دقیق‌تر آن است که دادگاه بر اساس ماده ۲۰ اختیار اجرای دو کیفر را در مورد شخص حقوقی داشته باشد، زیرا وقتی که شخص حقوقی مرتکب جرم واحدی می‌شود و قانون این اجازه را به دادگاه برای اعمال دو کیفر داده است، در حالت تعدد جرم که وضعیتی خطرناک‌تر نسبت به ارتکاب جرم واحد است نیز دادگاه از این اختیار بهره‌مند و از ابزار کافی برای کیفردهی شخص حقوقی بزهکار برخوردار باشد.

چالش ششم آن است که اگر شخص حقوقی مشمول ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ باشد، یعنی برای ارتکاب جرم به وجود آمده یا از هدف مشروع نخستین خود روی برگردانده و فعالیت خود را منحصراً برای ارتکاب جرم قرار داده باشد، آیا دادگاه می‌تواند پس اعمال مقررات ماده ۱۳۴ دو کیفر را از میان کیفرهای مقرر در ماده ۲۰ بر شخص حقوقی بار کند. به نظر می‌رسد در این صورت مشکلی از لحاظ جمع میان مصادره کل اموال و دیگر کیفرها نیست. اما در خصوص

انحلال شخص حقوقی می‌توان تبصره یک ماده ۱۳۲ را مدنظر قرار داد و بر اساس آن گفت که در این صورت فقط انحلال بر شخص حقوقی بار خواهد شد و دیگر کیفرها قابل اجرا نخواهند بود.^۲

چالش هفتم در خصوص کیفرهای تعزیری درجه هفت و هشت است که بر اساس تبصره ۴ ماده ۱۳۴ مقررات تعدد جرم در مورد آن‌ها اجرا نمی‌شود و این کیفرها با هم و نیز با کیفرهای تعزیری درجه یک تا شش جمع می‌گردند. حال پرسشی که پیش می‌آید آن است که چنانچه در میان رفتارهای تعزیری متعدد شخص حقوقی جرمی باشد که کیفر اصلی آن مشمول این درجه‌ها باشد، تکلیف چیست. آیا با یک تا دو مورد از کیفرهای مقرر در ماده ۲۰ جمع می‌شوند یا خیر. به نظر می‌رسد که پاسخ مثبت باشد و این کیفرها قابل جمع با کیفرهای درجه یک تا شش باشند.

۲-۳. راه‌حل‌های غلبه بر چالش‌ها

راه‌حل بنیادی غلبه بر این چالش‌ها اصلاح قانون مجازات اسلامی بر اساس الگوی قانون جرایم رایانه‌ای است. اگر اشخاص حقوقی مرتکب تعدد جرایم رایانه‌ای شوند، چالش‌های پیش‌گفته یا وجود ندارد یا کمتر نمود پیدا می‌کند و امکان تشدید مجازات (فراترفتن از حداکثر مجازات قانونی) و انتخاب مجازات اشد وجود دارد و در این موارد در حالت تعدد جرم اشخاص حقوقی هم‌سان اشخاص حقیقی خواهند بود. بر این اساس، در این مورد هم پیشنهاد ما پذیرش آن الگو در قانون مجازات اسلامی است. تأکید می‌شود که پیشنهاد مقاله پذیرش الگوی معادل‌سازی مجازات‌های شخص حقوقی با مجازات اشخاص حقیقی مندرج در ماده ۲۰ قانون جرایم رایانه‌ای است و نه الزاماً پیروی بدون قید و شرط از آن ماده. باید همه مجازات‌های اصلی اشخاص حقوقی به خصوص انواع پرکاربرد آن مثل حبس، شلاق و جزای نقدی را متناسب با حساسیت‌های اشخاص حقوقی، از جمله ملاحظه حقوق سهام‌داران، خدمات‌گیرندگان، کارکنان، رونق اشتغال و رونق تولید برای اشخاص حقوقی، معادل‌سازی و متناسب کرد. مثلاً می‌توان با استفاده از آن الگو مقرر داشت اگر شخص حقوقی مرتکب جرمی شد که مجازات آن در صورت ارتکاب توسط شخص حقیقی حبس‌های درجه یک، دو یا سه است، به تعطیلی موقت یا منع از فعالیت‌های شغلی خاص به مدت دو تا پنج سال یا

۱. «چنانچه مرتکب به اعدام و حبس یا اعدام و تبعید محکوم گردد، تنها اعدام اجرا می‌شود».

۲. البته منظور کیفرهایی است که در صورت انحلال شخص حقوقی تعیین آن‌ها کاری بهبوده است مانند ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به‌طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال، ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به‌طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال و ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال اما بدیهی است که جزای نقدی و انتشار حکم قطعی به‌سیله رسانه‌ها با انحلال شخص حقوقی قابل جمع خواهند بود.

جزای نقدی درجه یک تا سه محکوم شود. گفته شد که پیروی بدون قید و شرط از ماده ۲۰ قانون جرایم رایانه‌ای مطلوب نیست؛ دلیل این سخن یکی عدم تنوع و دیگری سنگین بودن مجازات تعطیلی موقت مندرج در این ماده است. این مجازات در مورد برخی از اشخاص حقوقی می‌تواند افراد زیادی از جمله سهام‌داران، خدمات‌گیرندگان از شرکت، کارمندان شرکت و خانواده‌های آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده و دچار مشکل کند. بر این اساس، در این معادل‌سازی باید با احتیاط کامل عمل کرد. مثلاً مقنن استفاده از تعطیلی موقت را فقط با مجازات‌های حبس تعزیری درجه یک تا سه آن هم بنا به اختیار دادگاه معادل‌سازی کند و در موارد حبس‌های تعزیری درجه چهار تا هشت معادل آن را برای اشخاص حقوقی فقط تعطیلی موقت (دارای حداقل و حداکثر) یکی از فعالیت‌ها (در صورت تعدد فعالیت)، جزای نقدی دارای حداقل و حداکثر یا عدم افزایش سرمایه در مدت مثلاً شش ماه تا سه سال و... قرار دهد.

بحث دیگری که بدون پرداختن به آن مقاله ناتمام است پیشنهاد عملی مقاله است و آن اینکه در حال حاضر دادگاه‌ها در صورت مواجهه با تعدد جرایم اشخاص حقوقی چه تصمیمی باید اتخاذ کنند. تا حدود زیادی ضمن بیان چالش‌ها به این سؤال پاسخ داده شد. با بیانی دیگر تأکید می‌شود که اقتضای تعدد جرم تشدید مجازات است و دادگاه‌ها تا آنجا که مقررات ماده ۲۰ اجازه می‌دهد باید مقررات تعدد جرم را با رعایت حال همه کسانی که ممکن است از مجازات صدمه ببینند لحاظ کنند. به عبارت دیگر، در صورت ارتکاب تا سه جرم توسط شخص حقوقی، باید معادل هر جرم و متناسب با درجه جرم ارتكابی حداکثر مجازات متناسب آن را تعیین کرده و از بین آن‌ها شدیدترین را اعمال کنند. در صورت ارتكاب چهار جرم و بیشتر نیز تا جایی که تشدید مجازات ممکن است (در بند پ، ت و ث ممکن نیست)، بدون خدشه به اصل قانونی بودن مجازات باید چنین کرد. در جایی هم که اعمال تشدید ممکن نیست، دادگاه با تکلیفی مواجه نیست و به آن حد قانونی ممکن اکتفا خواهد کرد. هر چند بی‌ربط است ولی مفید است که اعمال قواعد تعدد جرم نافی اعمال کیفیات مخففه هم نیست. ولی این چالش‌ها هنگام اعمال کیفیات مخففه در حالت تعدد جرم اشخاص حقوقی هم به همان جهات اشاره شده خودنمایی می‌کند. به هر حال در صورتی که دادگاه قصد تخفیف مجازات داشته باشد، بدون نیاز به استناد به ماده ۱۳۴، همه کیفی‌های جرایم ارتكابی را تا میانگین حداقل و حداکثر و در صورت فقدان آن تا نصف تقلیل می‌دهد. از میان این‌ها آنچه از همه شدیدتر است قابل اعمال خواهد بود.

نتیجه

شخص حقوقی همان طور که می‌تواند مرتکب جرم تعزیری واحد شود توانایی ارتكاب جرایم متعدد را نیز دارد. مواد ۱۳۱ و ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به تنظیم و تسبیق مقررات

تعدد اعتباری و واقعی جرم پرداخته‌اند که در تطبیق این مواد بر رفتارهای مجرمانه متعدد اشخاص حقوقی و کیفرهای مقرر برای آن‌ها که در ماده ۲۰ همین قانون تعیین شده‌اند چالش‌های جدی به وجود می‌آید که سبب می‌شود نتوان قواعد تعدد جرم را در خصوص اشخاص حقوقی هم‌سان با اشخاص حقیقی قابل اعمال دانست. اگرچه مقنن در خصوص اعمال قواعد عام تشدید مجازات نسبت به اشخاص حقوقی تصریحی ندارد، اما از لحاظ تحلیل حقوقی مانعی برای اعمال این قواعد نسبت به شخص حقوقی نیست. در عین حال، اعمال این قواعد نسبت به اشخاص حقوقی با چالش‌هایی مواجه است که از جمله آن‌ها می‌توان به عدم امکان اعمال قواعد تشدید مجازات در موارد تعدد اعتباری و تا حدود زیادی در موارد تعدد مادی اشاره کرد. این چالش‌ها به جهت آن است که مقنن فقط در یک ماده کلی (ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی) برای همه جرایم اشخاص حقوقی تعیین مجازات کرده است. اگر مقنن همان الگوی پذیرفته‌شده برای تعیین مجازات اشخاص حقوقی در ماده ۲۰ قانون جرایم رایانه‌ای (ماده ۷۴۸ الحاقی به قانون مجازات اسلامی تعزیرات ۱۳۷۵) را در قانون مجازات اسلامی هم بپذیرد و ماده ۲۰ این قانون را مطابق آن الگو اصلاح نماید، این چالش‌ها از بین خواهد رفت. ذکر این نکته هم لازم است که این چالش‌ها جای این تفسیر را هم باز گذاشته است که هر چند از لحاظ نظری می‌توان اشخاص حقوقی را مشمول مقررات عام تشدید مجازات از جمله تعدد جرم قرار داد، ولی از لحاظ قانونی اعمال این قواعد نیاز به تصریح مقنن در این خصوص دارد و با توجه به عدم تصریح مقنن اعمال قواعد تعدد جرم نسبت به اشخاص حقوقی درست نیست. البته این تفسیر نباید چندان مورد اعتنا واقع شود، زیرا از لحاظ مبنایی تفاوتی بین تعدد جرایم اشخاص حقیقی و حقوقی نیست و درست نیست که در مورد اشخاص حقیقی و حقوقی در این خصوص دو موضع متفاوت اتخاذ شود. مضافاً اینکه اطلاق مقررات تعدد نسبت به همه جرایم تعزیری است، اعم از اینکه توسط شخص حقیقی یا حقوقی ارتکاب یابد. در قانون جرایم رایانه‌ای هم در خصوص اعمال قواعد تشدید حداقل نسبت به تکرار جرم تصریح وجود دارد. این مباحث ضرورت اصلاح ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی بر اساس الگوی قانون جرایم رایانه‌ای را آشکارتر می‌کند. اما پیشنهاد عملی این مقاله تا زمان اصلاح بنیادی قانون هم آن است که دادگاه‌ها با توجه به اقتضای تعدد جرم که تشدید مجازات است، تا جایی که ممکن است و به جزئیات آن در متن مقاله اشاره شد، در راستای اعمال مقررات تعدد جرم، به تعیین مجازات مطابق ماده ۱۳۴ بپردازند. در جایی که با توجه به مقررات موجود اعمال تشدید ممکن نیست هم با تکلیفی مواجه نیستند.

منابع

- پوربافرانی، حسن (۱۳۹۷)، حقوق جزای عمومی (مجرم و مسئولیت کیفری)، چاپ اول، تهران: نشر جنگل.
- پیمانی، ضیاءالدین (۱۳۷۴)، بررسی تاریخی و تطبیقی قاعده تعدد جرم، قم: مجتمع آموزش عالی قم.
- جعفری، مجتبی (۱۳۹۲)، «تعدد جرم و آثار آن در قانون جدید مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)»، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره پنجم.
- خدابخشی، عبدالله (۱۳۸۷)، «نقش قواعد مدنی در شناسایی مسئولیت کیفری شخص حقوقی»، فقه و حقوق، سال پنجم، شماره ۱۷.
- سیفی، مهدیه (۱۳۹۲)، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، گروه حقوق دانشگاه اصفهان.
- شریفی، محسن، محمدجعفر حبیبزاده، محمد عیسائی تفرشی و محمد فرجیها (۱۳۹۲)، «انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و انگلستان»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۶.
- شیخ‌الاسلامی، عاطفه (۱۳۹۴)، «مشکلات ناشی از اعمال ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی در بستر صلاحیت‌های ذاتی محاکم»، فصلنامه تعالی حقوق، سال هفتم، شماره ۱۰.
- صانعی، پرویز (۱۳۷۲)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران: گنج دانش.
- فروغی، فضل‌الله و رضا رحیمیان (۱۳۹۴)، «ارزیابی تعدد مادی جرایم تعزیری در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره هفتم، شماره چهارم.
- قیاسی، جلال‌الدین (۱۳۸۸)، «بررسی وحدت یا تعدد جرم در حالت تعدد نتیجه»، فقه و حقوق، سال پنجم، شماره ۲۰.
- کلانتری، کیومرث و سیدحسن جعفریان سوته (۱۳۹۰)، «افق‌های اعمال کیفر در تعدد مادی جرم افعال مختلف عناوین متفاوت با تأکید بر حقوق ایران و مصر»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۶.
- محسنی، فرید (۱۳۸۹)، «تحولات مسئولیت کیفری شرکت‌ها (از نظر تا عمل)»، دیدگاه‌های حقوقی و قضایی، شماره ۵۲-۵۱.
- موسوی‌مجاب، سیددرید و علی رفیع‌زاده (۱۳۹۴)، «ضمانت اجزای جرایم اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، دیدگاه‌های حقوقی و قضایی، دوره ۲۰، شماره ۶۹.
- یوسفیان شوره‌دلی، بهنام (۱۳۹۰)، «مسئولیت اشخاص حقوقی در جرایم اقتصادی یا سازمان یافته: رویکردهای نوین ملی و بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۶.